

نگاهی کوتاه به وضعیت شعر در انگلستان

■ مترجم: هادی محمدزاده

در انگلستان تصویر فقیرانه‌ای از زندگی شاعران در ذهن‌ها نقش بسته است، زیرا درآمدشان بسیار پایین است. تعداد حیرت‌انگیزی از مردم انگلیس به سرودن شعر می‌پردازند البته افرادی که از کلاس‌های آفرینش‌های ادبی، مدارس، زندان‌ها، دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش بزرگسالان بیرون می‌آیند را به حساب نمی‌آوریم. صدها هزار کتاب شعر، هر ساله در بریتانیا روانه چاپخانه‌های کوچک شعر می‌شوند. مشکل است که بگوییم تعداد شاعرانی که به سرودن می‌پردازند چقدر است شاید حدود پنجاه هزار نفر. غیرمترقبه است اما شعرهای بسیاری از این شاعران، ساختاری معیوب و کلیشه‌ای داشته و بعضاً مبتذلند. حتی اشعار خوب، شاید یک در پنجاه، شانسی پذیرش و مقبولیت داشته باشند. اکثر شعرها سرهم‌بندی شده و یا تحت تأثیر باندهای شعری، سروده شده و سرانجام متروک و بی‌مخاطب مانده‌اند.

برخی شاعران به خاطر فهم اندک و نیز جاه‌طلبی به آثار هم احترام نمی‌گذارند. بیشتر مجموعه‌های شعر یا توسط خانواده شاعر خریداری می‌شوند یا به وسیله دوستانی که به نوعی با شاعر در ارتباطند و یا به وسیله رقباي شاعر که می‌خواهند نقطه ضعفی در کتاب بیابند.

همچنین شاعرانی که می‌خواهند بهره‌ای از کتاب ببرند و نیز معلمین و کارشناسان آموزش و پرورش ممکن است در ردیف خریداران کتاب شعر قرار گیرند. مجلات شعر باید خیلی خوش‌شانس باشند که تیراژشان به هزار یا بیشتر برسد و به ندرت در طول سال کسی ریسک سرمایه‌گذاری در این کار را می‌پذیرد حتی مجلاتی که متعلق به مؤسسات بزرگ‌تر هستند نه به خاطر علاقه و رویکرد خوانندگان که بیشتر برای در معرض نمایش قرار گرفتن و حفظ آبرو و پرستیژ در قفسه‌ها، منتشر می‌شوند.

حراجی‌های پرزرق و برق در گستره نمایشگاه‌ها پیش از آنکه برای سلامت عمومی شعر در کشور مفید باشد برای سردبیران و شرکت‌کنندگان مفیدند. شرکت‌کنندگان هم اغلب به اشتراک این مجلات اظهار بی‌میلی می‌کنند مگر اینکه اشتراک به گونه‌ای نیازهایشان را برآورده کند.

چرا این گونه است؟ تولید شعر به طور مضحکی از تقاضا پیشی گرفته است. در هنرهای دیگر، هنرمندان خیلی خوب یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند و این البته مختص هنرهای نمایشی نیست بلکه حتی در هنرهای فردی و شخصی هم این حمایت‌ها به چشم می‌خورد. در این زمینه می‌توان نقاشی، تصویربرداری، سفالگری را مثال زد. هنرمندان دیگر رشته‌ها عموماً کاری را که می‌خرند تحسین می‌کنند. نادیده گرفتن قوانین و قواعد مدون و نیز عدم علاقه جمعی و عدم وجود مخاطبین عاشق اثر را شاید بتوان از دلایل کم‌فروشی بودن کتاب‌های شعر برشمرد و نیز این که نکته خاصی در این شعرها پیدا نمی‌شود چیزی که خود خواننده از ایجاد آن عاجز باشد. معیشت شاعران حرفه‌ای، بیشتر از راه نقد و بررسی آثار، مسابقات و داوری‌ها، سخنرانی‌ها، چرخاندن کارگاه‌های شعر و یا ظاهر شدن در رادیو و تلویزیون یا از راه حق‌التالیف آثارشان چه به صورت کتاب یا درج در روزنامه‌ها و نشریات می‌گذرد.

نویسندگان هم به صورت اتوماتیک باید یاد بگیرند که یا با نداری کنار بیایند یا دنبال یک کار پرسود بروند. هر ناشر بزرگ انگلیسی، 200 هزار دست‌نویس ناخواسته رمان را در سال دریافت می‌کند و بیست عدد از آنها را منتشر می‌کند. هفتاد و پنج درصد از نویسندگان جدی‌تر در ایالات متحده آمریکا هم هیچ پولی را هرگز از محل فروش آثارشان به دست نمی‌آورند که البته کسب درآمد از محل فروش کتاب‌های شعر، ناراحت‌کننده‌تر است. از آنجا که شعر یکی از ادبی‌ترین هنرهاست نمی‌توان به آسانی از روی آن فیلم ساخت و برنامه‌های تلویزیونی و نیز سریال‌های کوتاه، بنابراین سر شاعران از این جهت هم بی‌کلاه می‌ماند. کارورزان آماتور، عموماً خودشان دست به انتشار آثارشان می‌زنند و اتکایشان به حدود دویست تا 500 نسخه از آثارشان است حتی پس از صرف کوشش زیاد، ممکن است حدود 200 نسخه از آثارشان برگشت بخورد. یکی از ابزارهای بسیار خوب برای پیشرفت‌شان شرکت در رقابت‌های شعر است که اثر را به صورت گسترده‌تری در مرکز توجه عموم و حتی ناشران بزرگ‌تر قرار می‌دهد. خیلی‌ها شهرت و اعتبارشان را از همین طریق کسب کرده‌اند. در بریتانیا مسابقاتی که بتوان شعر را برای بدان‌ها ارائه داد اگر سر به صدها و هزارها نکشد سالیانه حداقل بالغ بر ده‌ها مورد می‌شود. شعرهای ارائه داده شده قبل از گزینش، از فیلترهای مختلفی عبور می‌کنند. شعرهایی که اصل نیست یا کلیشه‌ای است یا شعرهای که ربطی به موضوع ندارد به صورت خودکار رد می‌شوند. جشنواره‌های ادبی، بیشتر هم‌مسو با اهداف کمیته‌های برگزارکننده، شکل می‌گیرند که البته عموماً هم این اهداف مشخص نیستند. مجلات کوچک همیشه با کمبود بودجه مواجه‌اند و این رقابت‌های سالیانه یک روش ایده‌آل برای پر کردن خزانه است البته پول قابل‌توجهی صرف جایزه می‌شود که مراحل اهدای آن ممکن است به صورت چرخه‌ای پیش رود به این صورت که پول از شاعران زیادی گرفته شده و به طور دل به خواهی به عده‌ای دیگر داده می‌شود.

منبع:

سایت <http://www.poertymagic.co.uk>